

فرهنگ چینی به فارسی

Hanyu Bosiyu Cidan

پژوهش، گردآوری، تألیف و ویرایش با همکاری
دانشگاه تهران و دانشگاه پکن.

ناشر: مؤسسه انتشارات شانگ وو، پکن، مارس ۱۹۹۷.

قطع: رحلی، ۱۴۷۲ ص: متن + ۳۱ ص: پیشگفتار به
زبان فارسی و چینی.

فهرست نام مؤلفان و ویراستاران، جدولهای راهنمای
نگاره‌های چینی و واژه‌یاب.

بها: ۱۸۱ یوان

دکتر مظفر بختیار^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده: در این مقاله، فرهنگ چینی به فارسی که با همکاری پژوهشی دانشگاه تهران و دانشگاه پکن تألیف و در فروردینماه ۱۳۷۵ انتشار یافته، معرفی شده است. مؤلف ضمن تأکید بر ارزش این فرهنگ، به عنوان یکی از مراجع و منابع مهم در تحقیقات چینی و ایرانشناسی و اطلاع‌رسانی، تجدید عهدی با گذشته و سیری در تاریخچه فرهنگ‌نویسی دو زبانۀ چینی به فارسی دارد و جایگاه و نقش تاریخی و تأثیر فرهنگی زبان فارسی را در چین، روشن ساخته است.

تألیف و چاپ فرهنگ چینی به فارسی با همکاری پژوهشی دانشگاه تهران و دانشگاه پکن انجام گرفته است. قرارداد این همکاری دانشگاهی و پژوهشی

۱. دانشیار دانشگاه تهران

در تیر ماه سال ۱۳۶۷ بین دانشگاه تهران و دانشگاه پکن و مؤسسه انتشاراتی شانگ‌وو که بزرگترین مرکز انتشاراتی و فرهنگنامه پردازی در چین است به امضاء رسید. کار تألیف و تدوین فرهنگ چینی به فارسی با همکاری استادان چینی و ایرانی در سال ۱۳۷۲ پایان یافت و به چاپخانه سپرده شد و پس از نه سال همکاری مستمّر علمی و اجرایی در نوروز امسال از چاپ برآمد.

کسانی که ضمن آشنایی با چند زبان خارجی حتی اندکی با اصول ساختار و ظرفیتهای معنایی و کاربردی در زبان چینی آگاه باشند براین نکته التفات خواهند داشت که به علت ساختار کاملاً جداگونه زبان چینی از زبان فارسی و بسیاری از زبانهای زنده جهان فرهنگنویسی دو زبانه چینی ویژگیها و مسائلی خاص و متفاوت با فرهنگنویسی در زبانهای دیگر دارد. آهنگینه بودن زبان چینی که تکیه و آهنگ کلام در تمایز وجوه مراتب معنی و درجات دلالت نقش عمده و تأثیر عاطفی موسیقایی دارد، توأم با حسّ آمیزی خط اندیشه نگار چینی، که تصویر و نمای معنی را در ذهن تجسّم می‌دهد، ظرافتهایی در نوشتار به این زبان می‌بخشد که در بسیاری از موارد انتقال این معانی در حدّ و رسم متعارف تعاریفات قاموسی نمی‌گنجد. حتی بسیاری از آثار ادبیات و شعر چینی، صرف نظر از سایر باز دارندگیها و مسائل مربوط به ترجمه، به علت همین توافق لفظ با خط و موسیقی کلام و تصویرگری نوشته هرچند مترجم مسلط بر زبان و در معنی آرایبی و سخنپردازی توانا و چیره باشد غیرقابل ترجمه به زبانهای دیگر می‌گردد. بهمین سبب دانشگاه هنگ‌کنگ در ماه مارس ۱۹۹۷ به برگزاری مجمعی جهانی درباره فرهنگنویسی در آسیا پرداخت. مباحث اصلی این گردهمایی چنانکه در گزارش کار آنجا و خلاصه گفتارها درج شده بیشتر پیرامون مشکلات مربوط به تدوین فرهنگهای دوزبانه چینی و زبانهای هجایی و طرح مشکلات در این زمینه و بازجست روشهای کارآمد بود و برای مطالعات بیشتر و گسترده‌تر به تأسیس انجمن آسیایی فرهنگنگاری (Asialex) انجامید.

توجه به این موانع و مشکلات که در فرهنگنگاری روشمند و علمی دوزبانه چینی در سطح جهانی وجود دارد، اهمیت و ارزش تدوین و تألیف فرهنگ چینی به فارسی و توفیق نسبی پدید آورندگان آنرا بهتر مشخص و نمایان می‌سازد. سنت فرهنگی و ماهیت نظام آموزشی کنفوسیوسی که قرن‌ها بر جامعه و فرهنگ چین سیطره مطلق داشته و هنوز هم دارد فرزنانگان چین را در طی تاریخ

دانشورانی قاموسگرا برآورده است. قدیمترین قاموسگونه چینی در عهد باستان بر صدها لوح بزرگ سنگی کنده شده بوده است. تعدادی از آن لوحها بطور پراکنده در «جنگل سنگنوشته‌های افراشته» در شهر شی آن Xi'an (چانگ آن Chang'an قدیم پایتخت باستانی چین) هنوز برجاست. پس از آن هم در دوره‌ها و سلسله‌های مختلف چین لغتنامه‌ها و دائرة‌المعارف‌های بزرگی در زبان چینی نوشته شده و مانده است. علاوه بر سرشت قاموسگرایانه روش سنتی و مدرسی تای‌شوه (Taixue = دارالفنون سلطنتی) در آموزش و آزمون سالانه فرزندان و کارگزاران دولت تدوین و دسترسی به این گونه منابع را اقتضا داشت.

در چین قدیم، بر اثر همین سنت، به تدوین واژه‌نامه‌های فارسی که مهمترین و رایجترین زبان خارجی در چین بود توجه شده است. زبان فارسی زبان رسمی و فرهنگی مسلمانان چین و زبان بین‌المللی و بازرگانی در حوزه‌های دریایی و زمینی راه ابریشم بشمار می‌آمد و هیچ زبان خارجی از لحاظ رواج و گسترش و پشتوانه تاریخی و فرهنگی با زبان فارسی در چین برابر نیست. حتی خاقانان چین با سران و دربارهای کشورهای اروپای قدیم به زبان فارسی نوشت و خواند و نامه‌نگاری داشتند و در هان لین Hanlin (آکادمی سلطنتی) زبان فارسی و فنون استیفاء برای کارگزاران دیوانی و صاحب منصبان عالیمقام تدریس می‌شد!

نخستین واژه‌نامه چینی به فارسی که تاکنون یافته‌ام واژه‌نامه‌ای است تخصصی و پزشکی شامل نام گیاهان و مواد دارویی به زبان فارسی و عربی و معادل آنها به چینی که در پایان کتاب *Huihui yaofang* آورده شده است. این کتاب مجموعه‌ای است از نسخه‌ها و روشهای درمانی پزشکان ایرانی که از روی نسخه‌های تجویز شده پزشکان و نیز چند متن پزشکی فارسی در قرن هشتم به زبان چینی ترجمه شده. یگانه نسخه خطی این کتاب نفیس که افتادگیهایی در آغاز و پایان نسخه و از جمله در واژه‌نامه دارد به شماره ۱۱۹۳۰ در کتابخانه ملی چین در پکن موجود است.

نخستین فرهنگ عمومی چینی به فارسی فرهنگواره‌ای است موضوعی به نام *Huihui guan yi yu* شامل ۱۶۸۴ واژه چینی با برابر فارسی آنها به خط فارسی، همچنین ضبط تلفظ فارسی با خط چینی. این فرهنگنامه در ۱۸ بخش و مدخل موضوعی در اواخر دوره یوان (۱۲۸۰-۱۳۶۸م) و اوائل دوره مینگ (۱۳۶۸-۱۶۴۴م) تألیف شده و در همان هنگام بطرز چاپ چوبی که از قدیم در

چین رواج داشت به چاپ رسیده است. این فرهنگ در ضمن از قدیمیترین فرهنگهای موضوعی فارسی بشمار است و تقریباً با فرهنگ قوّاس تألیف فخرالدین مبارکشاه قوّاس غزنوی که نخستین فرهنگ موضوعی شناخته شده در زبان فارسی است همزمان می‌گردد. ارزش علمی و خاص این فرهنگ در آنست که بجای تعریف لغوی به صورتی دقیق و رسا در برابر واژه‌های چینی معادل‌گذاری فارسی شده است. فواید جنبی این فرهنگ از لحاظ تاریخ زبان فارسی نیز برای شناخت واژه‌های عامیانه و روزمره فارسی در آن زمان و در محیط چین قدیم و تحول شکل تلفظی آنها که به خط چینی ثبت شده ارزش بسیار دارد.

فرهنگنامه کهن چینی به فارسی دو تحریر دارد. چند نسخه خطی و نیز چاپ دوره مینگ از هر دو گروه تحریر آن موجود است. من این فرهنگنامه و نیز واژه‌نامه پزشکی را که پیشتر یاد شد در بررسی نامه نسخه‌های خطی اسلامی در چین معرفی کرده‌ام^۲. قبل از این ایرانشناسان چینی و مؤلفان فرهنگ چینی به فارسی از وجود این دو واژه‌نامه کهن که می‌توانست از منابع معتبر و سودمند در تألیف فرهنگ چینی به فارسی باشد اطلاع نداشتند. اکنون خانم تن هوی جو (Teng Huizhu) استاد شایسته و دانشور زبان و ادبیات دانشگاه پکن فرهنگنامه *Huihui guan yi yu* را براساس نسخه‌های موجود در چین ویراسته و همراه با یادداشتهای پژوهشی درباره واژه‌های چینی و فارسی و با نگرش به تحقیقات استاد ژاپنی هوندا و سایر زبانشناسان چینی و ژاپنی آماده چاپ ساخته است. تن هوی جو پیش از این فرهنگ فارسی وفایی را که در اوایل قرن دهم در چین نوشته شده و از اسناد ارزنده تاریخ زبان فارسی و فرهنگ نویسی فارسی در چین است ویراسته بود. فرهنگ وفایی با مقدمه و یادداشتهای سودمند ایشان در سال ۱۳۷۵ در انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است.

پیش از فرهنگ *Huihui guan yi yu* فرهنگنامه زبان گاوشان (Gaoshang) به چینی تألیف شده و دستنویس آن موجود است. زبان گاوشانی از زبانهای باستانی رایج در میان مانویان چین و به احتمال زیاد آمیخته از زبان پهلوی اشکانی یا از شاخه‌های آن با زبانهای بومی بوده. طبق اسناد باستانی چین در مدرسه‌ها و درسگاههای مانویان در چین زبان پهلوی تدریس می‌شده است. چون این فرهنگنامه مربوط به زبانهای فارسی میانه است گفتگو درباره آن خارج از موضوع این گفتار است. ساکنان گاوشان (Chotscho / Huiyu) قدیم از مانویان مهاجر ایرانی

بوده‌اند و آثار و اسناد ارزشمند مانوی در کاوشهای باستانشناسی ویرانه‌های این شهر تاریخی که در دامنه کوه آتشناک در کنار شهر تورپان قرار دارد به دست آمده است.

آخرین فرهنگواره کهن چینی به فارسی که یافته‌ام لغات تفسیر حسینی است که در حدود هفتاد سال قبل توسط دانشمند و فارسیدانی چینی که هویت او ناشناخته مانده تألیف شده است. در این فرهنگ تخصصی ضمن تعریف و شرح مفردات و مصطلحات، معادل آنها به زبان چینی و به خط شیواورجینگ^۳ (Xiaoerjing) داده شده است. لغات تفسیر حسینی در زمان مؤلف در تعداد چاپ بسیار محدود به قطع وزیری بزرگ در شهر خه‌جو (Hezu) (اکنون به نام لین‌شیا Linxia) از استان گانسو (Gansu) به چاپ رسیده و نسخه‌های آن بسیار نایاب و در حکم نسخه خطی است. تفسیر فارسی مواهب علیّه تألیف ملاحسین واعظ کاشفی بیهقی (درگذشت ۹۱۰ ق) که بیشتر به نام تفسیر حسینی شهرت دارد رایجترین تفسیر و متن قرآنی در بین مسلمانان چین و از متداولات درسی در مدارس و حوزه‌های اسلامی چین از قدیم تاکنون است.

کتاب لغات تفسیر حسینی در ردیف منابعی مانند کتاب ذاشیه و شرح چینی مخمس تبادکانی از نظر برابریابی و تعریف مصطلحات معارف اسلامی به زبان چینی ارزش خاص دارد. متأسفانه این گونه مراجع در بین اهل تحقیق و دانشگاهیان فارسیدان و ایرانشناسان چین ناشناخته است و در تدوین فرهنگهای لغت و تحقیقات فارسی تاکنون مورد استفاده قرار نگرفته است. کارآیی این نوع منابع مخصوصاً بدین لحاظ است که در ترجمه متنهای اسلامی از فارسی یا عربی به چینی بدون توجه به تفاوت و تباین کلی که میان نظام عقیدتی توحیدی اسلامی با جهان بینی بودایی و مکتبهای فکری و فلسفی چینی وجود دارد، مترجمان ناسنجیده واژه‌ها و اصطلاحات زودیاپتر و رایج بودایی و دائوئی را که زمینه فرهنگی و کاربردی در زبان چینی دارد در برابر مصطلحات و مفاهیم دقیق و جامع الهیات اسلامی بکار می‌برند و بدین ترتیب عناصر معنوی تفکر و فرهنگ اسلامی با دیدگاهها و برداشتهایی القاء و متبادر به ذهن می‌شود که گاه درست در خلاف آمد با مقاصد اصلی است.

باری، نخستین فرهنگ چینی به فارسی به طرز جدید را آقای حسین شمالی تألیف کرده است. آقای شمالی که اینک از چینی دانان زبده ایرانی است هنگامی به

گردآوری و چاپ فرهنگ چینی پرداخت که دانشجوی دانشگاه پکن بود. دو جلد از این کتابِ ناتمام توسط مؤلف در پکن چاپ شده ولی کار چاپ آن ادامه نیافته است. کتاب بدون تاریخ است و به احتمال زیاد حدود سالهای ۱۳۶۰ به چاپ رسیده باشد. بهر تقدیر با در نظر گرفتن شرایط و امکانات محدود مؤلف در آن زمان جا دارد که از شایستگی و همت و کوشش آقای شمالی با تقدیر و حقگزاری یاد شود.

در سال ۱۹۸۱ فرهنگ فارسی به چینی توسط دانشگاه پکن به چاپ رسید. این نخستین گام جدی و تجدید عهد با گذشته در زمینه تألیف فرهنگهای دو زیانه چینی به فارسی به روش جدید و علمی فرهنگنگاری بود. فرهنگ فارسی به چینی توسط اعضاء هیأت علمی بخش زبان فارسی دانشگاه پکن تألیف شده و به درخواست و دعوت مؤلفان چینی چند کارشناس ایرانی در ویرایش مواد فارسی همکاری داشته‌اند. این فرهنگ در سال ۱۹۸۷ به چاپ دوم رسید و یکی از جایزه‌های بهترین کتاب سال را در چین دریافت داشت. دانشگاه پکن در برنامه دارد فرهنگ فارسی به چینی را با ویرایش و تجدید نظر کامل ادواری، کاست و فزود ماده‌ها و مدخلها و آوردن اصطلاحات و واژه‌های کارآمد و نو برای چاپ دیگر آماده سازد.

آخرین کار در زمینه فرهنگ‌نویسی همین فرهنگ چینی به فارسی است که چندی است انتشار یافته است. همانطور که در آغاز اشاره شد تألیف و چاپ این فرهنگ بزرگ با همکاری دانشگاهی و پژوهشی دانشگاه تهران و دانشگاه پکن انجام گرفته است. مؤلفان فرهنگ از استادان بخش زبان و ادبیات فارسی دانشکده خاورشناسی دانشگاه پکن و نیز چند نفر از فارسیدانان فارغ التحصیل دانشگاه پکن هستند که از طرف بخش فارسی دعوت بهمکاری شده بودند. هریک از مؤلفان جداگانه یک تا چند حرف مستقل را تدوین کرده و پروفیسور زین یان شن (Zeng Yansheng) استاد و رئیس بخش زبان و ادبیات فارسی با کوشش و پشتکار تحسین‌انگیز بر کارهای تألیف و چاپ نظارت داشته و آنرا برنامه‌ریزی و هماهنگ نموده است.

بهمین ترتیب استادان و ویراستاران ایرانی هر کدام جداگانه ویرایش بخشهای مستقلی را عهده‌دار بوده‌اند. همه مواد فارسی توسط مؤسسه لغتنامه دهخدا بازبینی نهایی شده است. نام مؤلفان ویراستاران هر بخش در سرآغاز

فرهنگ آمده و حدود مسؤولیت علمی هر یک مشخص گردیده است. چند پیوست و ضمیمه نیز درباره نام کشورهای جهان و راهنمای استفاده از فرهنگ و کوتاه نوشتها و علامتهای اختصاری بعداً از طرف مؤلفان چینی به کتاب افزوده شده که به نظر ویراستاران و همکاران ایرانی نرسیده و مسؤولیتی در ویرایش و تدوین آن نداشته‌اند.

فرهنگ چینی به فارسی در حدود هفت هزار ماده و هفتاد هزار مدخل دارد و حجم آن به سه میلیون و نیم کلمه در ۱۴۷۲ صفحه رحلی می‌رسد. مسلماً در چنین اثری پر حجم و بزرگ موارد غلط یا اشتباه و نقصان و موجبات بروز اختلاف سلیقه بین اهل نظر وجود دارد و البته هیچ فرهنگ لغت، حتی فرهنگهای معتبر و متداول جهانی که هر یک به چایها و تجدید نظرهای متعدد ادواری رسیده، بکلی خالی از نقص و غلط و بدون تعارض سلیقتگی نمی‌تواند باشد. در این آثار لاجرم آنچه باید معیار ارزشدهی و ارزیابی قرار گیرد نسبت و میزان موارد خلاف و نوع و درجه اشتباه است. بر موارد اختلاف استحسانی و ذوقی سخنی و حرجی نیست. اما غفلتها و غلطهایی که گاه در سستی و ضعف تعبیر برخی از عبارتهای چینی و فارسی یا تعریفات و برابرگذاریهای احیاناً نسنجیده و نادقیق و همچنین نوعی ناهماهنگی زبانی و نبودن روش یکسان در کل به چشم می‌آید ناشی از تعدد مؤلفان و ویراستاران و اختلاف سطح زباندانی و بینش فرهنگی و دانش آنان در فارسی و چینی است. همه این موارد با حسن نیت و همت کسانی که در این رشته صلاحیت و شایستگی افکار نظر دارند درست شدنی است. از مهمترین اصولی که از مقولات اساسی در فرهنگ‌نویسی بشمار است و لازم است در تألیف فرهنگهای دوزبانه مورد توجه قرار گیرد و روشمندان رعایت گردد برابردهی و برابریابی اصطلاحات و واژه‌هاست بجای تعریف لغوی که در این فرهنگ بیشتر به نظر می‌آید. تعریف قاموسی در شناخت و ادراک مراتب معنایی و تطبیق معانی برای غیر اهل زبان ارزشی چندان ندارد و در ترجمه هم کارآمد نیست.

برای آنکه تصویر و تصور روشنی از چگونگی تألیف و ویراستاری فرهنگ چینی و مراحل بالیدن آن به دست داده شده باشد صفحه‌ای از فرهنگ به شکل اولیه‌ای که مؤلف چینی تدوین کرده / همان صفحه پس از ملاحظه و ویرایش فارسی / و سپس متن نهایی چاپ شده آنرا به نظر می‌رساند. چنانکه ملاحظه می‌شود به سرانجام رساندن و تکمیل هر ماده از مرحله تدوین و ویرایش تا چاپ

مستلزم چه بررسیها و مشورتها و تبادل نظرهای مکرر بین مؤلف و ویراستار و مراجعه مجدد به منابع و صرف وقتی نامحدود بوده، این میزان کار در متن آراسته چاپ شده البته به چشم نمی آید و حتی شاید قابل تصور نمی تواند بود.

از وجوه امتیاز و اعتبار فرهنگ چینی به فارسی آوانویسهای دقیق و علمی آنست که حتی آنرا در میان فرهنگهای دو زبانه چینی به سایر زبانهای زنده دنیا شاخص و ممتاز گردانیده است. آوانویسی به روش Pinyin انجام گرفته که از بین سایر روشهای بین المللی آوانویسی چینی (مانند روش Wade - Giles) اکنون علمی ترین و متداول ترین آنهاست. آوانویسی چینی براساس تلفظ زبان معیار ماندارین *Mandarin*^۲ به الفبای فونتیک، با توجه به خصلت هجائی زبان چینی و وجود واژه ها و همخوانهای مرکب و چند ترکیبی و نیز اختلاف لهجه های چینی از مسائل مهم و بسیار دقیق و حائز اهمیت در فرهنگنامه نویسی چینی است و در این زمینه کاردانی و تخصص بایست است. آوانویسی فرهنگ چینی به فارسی چند بار و در چند مرحله به وسیله زبانشناسان و متخصصان برجسته آوانویسی در انستیتو زبانهای پکن بازبینی و بررسی شده است.

پانویسها:

۱- درباره تاریخ زبان فارسی در چین و بررسی آثار و تأثیرات فرهنگی آن در چین قدیم و در جامعه اسلامی آنجا ضمن تحلیل و معرفی اسناد و منابع گوناگون به چینی و فارسی یا به سایر زبانها در چند کتاب زیر به بحث پرداخته‌ام و بسط کلام در اینجا اقتضا ندارد:

M. Bakhtyar, China, in *World Survey of Islamic Manuscripts*, London 1994 Vol IV PP 63-70.

ibidem, What is Estifi, in *Collection of Papers on Iranian Studies in China*, Peking university Press, 1993, PP 44-50.

ibidem, You Hanyu yi wei Bosiyu de zui zao wenxian, in *Dongfang wenhua guoji xueshu taolunhui*, Beijing, 1991, pp 116-127.

همچنین گفتار زیر که شامل نکات سودمند و تازه در این زمینه است:

تن هوی جو، فرهنگ فارسی [وفائی]، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، پیشگفتار، صص سه - چهارده.

2- M. Bakhtyar, Chian, in *World Survey of Islamic Manuscripts*, pp 85-86.

۳- شیوا و ارجینگ خط ابداعی مسلمانان چین است که نگاره‌های خط چینی به خط فارسی آوانویسی می‌گردد. مسلمانان چین برای حفظ هویت و بقای خود در جامعه بزرگ چین که هر عنصر خارجی را به تدریج چینی گردانیده و در خود جذب و مستحیل ساخته است آگاهانه تلاش می‌نمودند با حفظ آداب و سنتهای اسلامی تشخص و هویت خود را نگاه دارند. همین خودشناسی و سنت مداری مسلمانان از عوامل مهم رشد و پایداری اسلام در چین است.

۴- *Mandarin* در چین قدیم صاحب منصبی بود که دارای یکی از مقامات نه گانه ممتاز در دستگاه دیوانی و دربار باشد. در چین هم مانند برخی از کشورهای قدیم زبان ادیبانه و فاخر این طبقه از زبان عامه تمایز داشت و به عنوان زبان معیار در دستگاههای دولتی و ارتباطات دیوانی بکار می‌رفت. گویش پکنی اینک به عنوان زبان ماندارین زبان رسمی رسانه‌ای و کاربردی همگان فهم در چین است. *Mandarin* به صورت واژه دخیل در چند معنی و مفهوم به زبانهای غربی و اروپایی هم وارد شده است. آنچه در قاموسها و لغتنامه‌های فرنگی

درباره اشتقاق این کلمه از ریشه پرتغالی یا سایر زبانها آمده غلط است. ماندارین کلمه‌ای چینی است و لفظاً لفظ به معنی «شخصیت والا مقام دربار» است. مرکب از *Man* (= منچوئی، تبار سلسله چینگ، مجازاً: وابسته به دربار) + *da* (= بزرگ، والا) + *ren* (= شخص، شخصیت).



تنگا شین
 ① (写上) 某集 ~ 某集 (روی کتاب یا مجله)
 ② (写在书籍前面的文字) 题词 (写在书画前面的文字)
 ③ (写在书画前面的文字)

④ (写在书画前面的文字)
 ⑤ (写在书画前面的文字)
 ⑥ (写在书画前面的文字)

⑦ (写上) 某集 ~ 某集 (روی کتاب یا مجله)
 ⑧ (写在书籍前面的文字)
 ⑨ (写在书画前面的文字)

⑩ (写上) 某集 ~ 某集 (روی کتاب یا مجله)
 ⑪ (写在书籍前面的文字)
 ⑫ (写在书画前面的文字)

⑬ (写上) 某集 ~ 某集 (روی کتاب یا مجله)
 ⑭ (写在书籍前面的文字)
 ⑮ (写在书画前面的文字)

⑯ (写上) 某集 ~ 某集 (روی کتاب یا مجله)
 ⑰ (写在书籍前面的文字)
 ⑱ (写在书画前面的文字)

⑲ (写上) 某集 ~ 某集 (روی کتاب یا مجله)
 ⑳ (写在书籍前面的文字)
 ㉑ (写在书画前面的文字)

㉒ (写上) 某集 ~ 某集 (روی کتاب یا مجله)
 ㉓ (写在书籍前面的文字)
 ㉔ (写在书画前面的文字)

㉕ (写上) 某集 ~ 某集 (روی کتاب یا مجله)
 ㉖ (写在书籍前面的文字)
 ㉗ (写在书画前面的文字)

㉘ (写上) 某集 ~ 某集 (روی کتاب یا مجله)
 ㉙ (写在书籍前面的文字)
 ㉚ (写在书画前面的文字)

㉛ (写上) 某集 ~ 某集 (روی کتاب یا مجله)
 ㉜ (写在书籍前面的文字)
 ㉝ (写在书画前面的文字)

㉞ (写上) 某集 ~ 某集 (روی کتاب یا مجله)
 ㉟ (写在书籍前面的文字)
 ㊱ (写在书画前面的文字)

㊲ (写上) 某集 ~ 某集 (روی کتاب یا مجله)
 ㊳ (写在书籍前面的文字)
 ㊴ (写在书画前面的文字)

鸡 (بانگ زدن، فار قار کردن (某些鸟兽叫) ② وزاری کردن
وقتی که ماه غروب می. - 月落乌啼/خروس بانگ می زند. -
کند، کلاغ ها قار قار می کنند.

【啼号】tíhào شیون کردن

【啼饥号寒】tíjī-háoán از فرط گرسنگی وسرما گریه کردن

【啼叫】tíjiào ① (鸟叫) جیک جیک کردن ② (方) گریه وزاری کردن

【啼哭】tíkū گریه کردن، زاری کردن

【啼泣】tìqī گریه کردن

【啼笑皆非】tì-xiào jiē fēi متحیر بودن از اینکه باید گریست یا خندید

缙 ti (书) رنگ نارنجی

鹤 ti

【鹤鹑】tíhú مرغ سقا، حواصل

题 ti ① (题目) عنوان، سوزه، موضوع - 讨论

موضوع - 讨论: موضوع، سوزه، عنوان (题目) ①
سؤالات امتحان (یا) / 考 / 考 / موضوع گفتگو - / 话 / مورد بحث
پرت بودن از - 离 / ربطی به موضوع نداشته - / 文不对 (آزمون)
شعری را (بر روی نقاشی، - 诗: نوشتن (写上) ② موضوع
نوشته بوسیله... / 某某 / یادبزن، دیوار و... نوشتن

【题跋】tíbá ① (写在书籍前后的文字) مقدمه ومؤخره
توضیحات و یاد داشت هائی (写在书画前后的文字) ② کتاب
که نقاش یا خوشنویس بر روی اثر خود می نویسد

【题壁】tíbì ① (在壁上写字或诗文) عبارات و شعرها را روی
عبارات وشعرهای (写在壁上的字或诗文) ② دیوار نوشتن
روی دیوار

【题材】tícíái / 这个 حدود موضوع 范围 - 范围: موضوع، مطلب، سوزه
موضوع این نمایش نامه اصلاحات ارضی. / 这个剧本以土改为
این مطلب موضوع خوبی برای ~. / 这是写小说的素材.
داستان نویسی است.

【题词】tíci ① (写一段话表示纪念或勉励) دستخطی را به
دستخط (题的词) ② عنوان یادگار یا برای تشویق به کسی دادن
پیش گفتار، سر آغاز، دیباچه، مقدمه (序文) ③ یادبود

【题花】tíhuā سر لوح تزئینی کتاب

【题解】tíjiě ① (解释) توضیحات برای عنوان یا زمینه یک
احل (- 平面几何) / 关键: تمرین ها یا مسایل (解答) ② کتاب
المسائل در هندسه - مسطحه

【题名】tímíng - 在照片上: نام خود را نوشتن، دستخط نوشتن
نام خود را به عنوان 留念 - / دستخط نویسی بر روی عکس
یادگار نوشتن

【题目】tímù ① (文章的标题) تیر، موضوع، عنوان، 辩论的
(这篇文章的) - 叫做 (我的祖国). / موضوع مورد بحث -
نوشتن عنوان کتاب بر (习題) ② (习题) مقاله تحت عنوان همین ماه است.
بر چسب (书皮上的标签) ② روی برچسب برای چسباندن
عنوان کتاب

【题旨】tízhǐ ① (文章题目的意旨) منظور از عنوان مقاله
اهمیت سوزه آثار ادبی (文艺作品主题的意义) ②

【题字】tízi ① (题写) دستخط نوشتن به عنوان یادگار (题写的字)
مذلت به خط. - 书上有作者亲笔. خود در این کتاب چیزی نوشته است.

醍 ti

【醍醐】tíhú خامه عالی، سرشیر عالی

【醍醐灌顶】tíhú guàn dǐng ① (比喻灌输智慧) بر سر عقل
بکمرته (比喻感到醒悟) ② آوردن، فکر کسی را باز کردن
احساس بیداری کردن

蹄 ti

ران خوک که با حرارت / 炖猪 ~ سم اسب - 马 ~ سم
ملایم در سوس سویا پخته شده باشد

【蹄筋】tíjīn پی گاو یا - 红烧 پی گاو یا گوسفند یا خوک
گوسفند یا خوک که با حرارت ملایم در سوس سویا پخته شده
باشد

【蹄膀】típāng قسمت بالای ران خوک (方)

【蹄铁】títīe نعل

【蹄子】tízi ① (口) سم (蹄) ② (方) ران خوک (肘子)

醍 ti (动) ماهی کولی

tǐ

体 ti ① (身体) ساختمان

انسان - 构造 人 - 构造: تن، جسم، پیکر (身体) ①
جسم، (物体) ② دست و پا - 肢 / وزن (بدن) - 重 / بدن انسان
سبک یا (书写字体: 作品体裁) ③ ماده - جامد - 固: ماده
سبک/جنگارشی، سبک ادبی - 文: شیوه در خوشنویسی یا ادبیات
شخصاً ④ (亲身体验: 设身处地) شعرا به سبک قدیم - 诗
ار یا جدید با آنچه اعتقاد دارد. 他身 - 力行: تجربه کردن

【体制】tǐzhì ⑤ (体制) سیستم، نظام، 政: نظام حکومت / 国
زمان (ك فعل) (语) ⑥ نظام دولت -
另见 ti

【体壁】tǐbì (动) دیوار گوشی، دیواری که از افراد در برابر چیزی
کشیده شود

【体表】tǐbiāo درجه (برای اندازه گیری حرارت بدن انسان)

【体裁】tǐcái سبک یا شیوه ادبی

【体操】tǐcāo / 徒手 / 徒手 / 徒手: تمرینات ورزش آزاد - 徒手 / 徒手
تمرینات / 器械 / 器械: تمرینات ورزش با دستگاه ورزشی - 器械
لباس مخصوص / 表演 / 表演 / 表演: نمایش ژیمناستیک / آزاد
وسایل ژیمناستیک / 器械 / 器械: ژیمناستیک

【体察】tǐchá بی طرفانه به 情况 - 虚心: تجربه ومشاهده کردن
بررسی شرایط پرداختن

【体罚】tǐfá تنیه بدنی

【体格】tǐgé - 强壮 / 强壮: قوی بدنی، بییه، ساختمان جسمی

【体会】tǐhuì آشنایی نزدیک - 深有: چیزی را از تجربه شناختن
در باره تجربه های. - 谈谈我个人的. / با چیزی داشتن
سن. 我 - 你的心情. / شخصی خودم حرف خواهم زد.

【真正】tǐzhēng / 真正: احساسات شما را خوب درك می کنم.